

اشاره:

مرثیه در اوان پیدایش و گسترش شعر فارسی پایه‌های مضمون‌های دیگر ادبی به تقلید از شعر عربی به وجود آمد و در گذر زمان انواع گوناگونی به خود گرفت. بررسی سیرتطور مرثیه بیانگر این مطلب است که مرثیه از نوع رسمی به نوع مذهبی متحول شده است. به گونه‌ای که در چند قرن اخیر معنای خاص خود یعنی سوگ بر سید الشهدا به کار برده می‌شود. از ابتدای پیدایش شعر فارسی تا قرن هشتم هجری مرثیه غالب، مرثیه رسمی است که در قالب قصیده سروده می‌شد. اما رفته‌رفته و با به‌قدرت‌رسیدن حکومت صفویه مرثیه مذهبی در قالب ترکیب‌بند رایج می‌گردد. پس از اوج گرفتن مرثیه‌سرایی مذهبی دو شیوه دیگر مرثیه مذهبی یعنی «نوحه» و «مقاتل» منظم در قالب مثنوی ابداع گردید. در یکصد سال اخیر به‌علت خیزش‌های مردمی، شاعران مضامین مذهبی را با مضامین اجتماعی و سیاسی تلفیق کردند و نوعی مرثیه وطنی اجتماعی به وجود آوردند که نقش مرثیه را از حد سوگ به مرثیه تحریک و بیداری مردم به عنوان یک وظیفه اجتماعی و سیاسی برتری بخشید.

در میان انواع مرثیه، مرثیه مذهبی از صداقت بیشتری برخوردار است و بر شنوندگان تأثیر قوی دارد. در تاریخ ادبیات فارسی هر یک از شاعران بر اساس اندیشه و نگرش خاص خود، به مرثیه‌سرایی پرداخته‌اند. زبان مرثیه ساده است. حتی شاعران مُلق‌گو نیز در مرثیه‌سرایی زبانی ساده دارند. واژگان مرثیه محدود به زنجیره واژگان عاطفی است. در مرثیه، وحدت عاطفی بسیار قوی است.

غالب فرهنگ‌های معتبر ذیل «مرثیه» چنین نوشته‌اند:

«مرثیه، رثا: در لغت گریستن بر مرده و برشمردن محاسن و محامد وی است و در اصطلاح، شعری را که در رثای کسی ساخته باشند، مرثیه می‌گویند»^۱. زین‌العابدین مؤتمن در کتاب شعر و ادب فارسی جامع‌ترین تعریف مرثیه را به‌دست داده است. او می‌نویسد:

«مرثیه یا رثا در اصطلاح ادب، بر اشعاری اطلاق می‌شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت یاران و بازماندگان و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و بزرگان و ذکر مصائب ائمه اطهار مخصوصاً حضرت سیدالشهدا^۲ و دیگر شهدای کربلا و ذکر مناقب و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفا و بزرگ نشان دادن واقعه و تعظیم مصیبت و دعوت ماتم‌زدگان به صبر و سکون و معانی دیگر از این قبیل سروده شده باشد»^۳.

با توجه به این تعریف می‌توان چنین استنباط کرد که در جامعه ادبی ایران مرثیه دارای دو معناست: معنای عام و معنای خاص؛ در معنای عام، مرثیه شعری است که شاعر به‌واسطه آن غم فقدان و محاسن شخص متوفا را برمی‌شمرد و در معنای خاص، شعری است که شاعر در سوگ و شهادت حضرت امام حسین^۴ و وقایع مربوط به کربلا و ائمه معصوم سروده باشد. مرثیه از انواع ادبی کهن است که از دیرباز در ادبیات ملت‌های گوناگون همچون اعراب و یونانیان، در مفهوم «سوگ بر عزیزان از دست رفته و گذرا بودن عمر» به کار رفته است و از این نظر می‌توان گفت که مرثیه یک نوع ادبی جهانی است که محتوای آن در ادبیات تمامی ملت‌های جهان مشترک است. مرثیه، سخنی تأثرانگیز است. از آنجا که مرثیه از

دلی سوخته و جانی اندوهگین برخاسته و با بیانی ساده و عاطفی بازگوکننده احساسات درونی و واقعی شاعر است، در شمار زیباترین و ماندگارترین اشعار ادبیات فارسی است.

بر اساس توصیف و ذکر محامد و محاسن شخص متوفا در مرثیه است که مرثیه را به انواع گوناگون تقسیم می‌کنند. مرگ پادشاه زمان، مرگ دوستان و آشنایان، مرگ همسر و فرزندان، مرگ شخصیت‌های مهم مذهبی، مرگ پهلوانان و قهرمانان ملی، حوادث طبیعی همچون زلزله و سیل و حمله دشمنان به وطن، همه و همه می‌تواند ذهن و تخیل شاعر را متأثر سازند و شعری که شاعر درباره هر یک بگوید نوع مرثیه او را مشخص می‌کند.

تقسیم‌بندی مرثیه غالباً بر اساس محتوا و موضوع است. برخی از محققان آن را به چهار قسمت تقسیم کرده‌اند:^۵

۱. مرثیه مذهبی ۲. مرثیه درباری ۳. مرثیه شخصی ۴. مرثیه فلسفی.

و برخی به گونه‌ای دیگر:

۱. مرثیه در سوگ عزیزان ۲. مرثیه در مرگ مشاهیر ۳. مرثیه مذهبی ۴. مرثیه‌های وطنی.^۶

با مطالعه در مرثیه‌های گوناگون متوجه می‌شویم که این تقسیم‌بندی‌ها ناقص‌اند و نمی‌توانند گستردگی مرثیه را در قلمرو ادبیات فارسی مشخص کنند. بنابراین باید تقسیم‌بندی منظم‌تری صورت گیرد.

به طور کلی مرثیه به دو شاخه اصلی: مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می‌شود که هر کدام به شاخه‌های گوناگونی منشعب می‌شوند.

بررسی انواع مرثیه مذهبی

۱. مرثیه عاشورایی

به اشعاری که در سوگ امام حسین^۷ و واقعه جانگداز کربلا سروده شود مرثیه عاشورایی می‌گویند. در این نوع مرثیه، شاعر تنها به وقایع روز عاشورا و شهادت امام حسین^۸ و یارانش می‌پردازد. عمده‌ترین ویژگی محتوایی این نوع مرثیه «بیان مظلومیت امام و سختی‌ها و مصائب کربلا» و «گریه‌محور بودن» آن است. شاعر با عاطفه و احساس خود - که حالت شخصی دارد - به روایت این حادثه به زبان شعر می‌پردازد. محور شعر، امام حسین^۹ و شهادت اوست. این نوع مرثیه، قالب مشخص و خاصی ندارند. از عمده‌ترین قالب‌های شعری می‌توان به «قصیده» در آغاز کار و «ترکیب‌بند» در اوج مرثیه عاشورایی، یعنی قرن سیزده قمری اشاره کرد.

قالب‌های مرثیه عاشورایی معاصر به‌صورت مثنوی، غزل و شعر آزاد و شعر سپید است.

۲. نوحه

نوحه جزو اشعار غیررسمی و نوعی از مرثیه مذهبی است که با آهنگ‌های خاص در مجالس سوگواری امام حسین^{۱۰} همراه با مراسم سینه‌زنی خوانده می‌شود.

شعرهایی که برای نوحه سروده شده، از وزن برخوردار است، اما از حیث وزن و قافیه متنوع‌تر از قالب‌های شعر سنتی فارسی است و با ضرب آهنگ‌های سینه‌زنی متناسب و هماهنگ است. علاوه بر آن تساوی مصراع‌ها در آن رعایت نمی‌شود و از این نظر شباهتی به شعر آزاد نیمایی دارد.

نخستین نوحه‌ها در دوره قاجار شکل گرفته است. در دیوان صباحی بیدگلی (متوفی ۱۲۸۸) قصیده‌ای وجود دارد که از نظر آهنگ به نوحه بی‌شباهت نیست. از این نظر بعضی آن را نخستین نوحه ضبط شده دانسته‌اند. مطلع این قصیده چنین است:

امروز عزای شاه دین است

شعر فارسی در ادوار مرثیه

علی اسلامی

نقد و تحلیل مرثیه در ادوار شعر فارسی

دستم کبوتری است که شوق پریدن است سیدمهدی حسینی

دُرِ یتیم و به صدف گوهرم ببین
در بحر عشق گوهر جان پرورم ببین
هفتادودومین صدف ساحل توام
ای روح آب، رشحه‌ای از کوثرم ببین
من سینه سرخ عشق عمومیم، پریم بده
دست مرا رها کن و بال و پریم ببین
چشمم به قتلگاه و عمو مانده زیر تیغ
تصویر غربتی است به چشمم ترم، ببین
با یانگ استغاثه او تیغ می‌شوم
برنده ز تیغ عدو خنجرم ببین
پروانه‌ام به پیله واماندنم بخواه
در هرم عشق، شعله و خاکسترم ببین
دستم کبوتری است که شوق پریدن است
چون نبض عمه ملتهب و مضطربم ببین

بر من عمو به چشم خربار بنگر و-
دست مرا بگیر و ازین بهترم ببین
کوچک‌ترم ز قاسم و دارم غمی بزرگ
هم‌چون علی‌اصغر خود، اکبرم ببین
من کودک برادر تو بودم و کنون
در هیأت دل‌آور و جنگ‌آورم ببین
هل من معین شنیدم و تکلیف روشن است
در التهاب پاستخت اهل حرم ببین
هر چند دست یاری من کوچک است و خرد
آن حس عاشقانه و جان پرورم ببین
احرام بسته‌ام که کنم دور تو طواف
خیل حرامیان همه دور و برم ببین
کوچک‌تر است قد من از تیغ دشمنان
اما سیر برابرشان پیکرم ببین
ته مانده شراب شهادت که مانده است
می‌نوشم و تو مستی ازین ساغرم ببین
در دست عمه دست کشیدم ز جان خویش
حالا به روی سینه گلی پرپریم ببین
دیشب سرم به شانه آرامش تو بود
اکنون به روی سینه خود بی‌سرم ببین

و آن را از دیدگاه عرفانی حماسی به صورت مفصل بیان می‌کند. شعر مقتل برخاسته از احساسات و عواطف درونی شاعر است و چنان می‌نماید که شاعر خود در صحنه نبرد شرکت داشته و آنچه دیده به تصویر کشیده است و گاه شاعر در حوادث عاشورا دخالت می‌کند و برداشت‌های ذهنی خود را - که غالباً تفکر عرفانی است - بیان می‌کند و از حوادث به وجود آمده نتیجه عرفانی می‌گیرد؛ همانند صفی‌علی شاه در منظومه عرفانی حماسی «زیده‌الاسرار». با این حال در این گونه مرثیه شاعر توانایی داستان‌پردازی خود را می‌آزماید. او باید از تشبیهات و استعاراتی استفاده کند که در تجسم و تصویر صحنه‌ها، ذهن شنونده یا خواننده را یاری دهد. در این مرثیه شاعر عناصر داستان را همانند گفت‌وگو، شخصیت، کشمکش، و در نهایت ایجاد حادثه و تراژدی رعایت می‌کند.

قالب مسلط و مسلم مقاتل منظوم «مثنوی» است؛ زیرا به شاعر مجال آزادی خیال و اندیشه می‌دهد تا واقعه کربلا را به تصویر بکشد. این نوع منظومه‌ها غالباً ساده و روان است. با این تفصیل می‌توان عمده‌ترین ویژگی‌های این نوع مرثیه را جزئی‌نگر بودن، روایی بودن، توجه‌داشتن به حماسه عاشورا، سادگی زبان و کاربرد قالب مثنوی دانست.

از جمله مقاتل منظوم در شعر فارسی، می‌توان «روضه‌الاسرار»، اثر شمس‌الشعراء سروش اصفهانی؛ «گنجینه‌الاسرار» عمان سامانی؛ «مثنوی بیت‌الاحزان» اثر صابر همدانی؛ «مثنوی گنج نهفته» اثر شیخ عبدالسلام تربتی و «مثنوی عاشورایی» صفی‌علیشاه در دوران بازگشت ادبی به نام «زیده‌الاسرار» را نام برد.

۱. روضه‌الاسرار؛

دارم اندر دست خوئین‌خامه‌ای

تا که بنویسم مصیبت‌نامه‌ای

لیک می‌ترسم که سوزد خامه‌ام

همچنان نوشته ماند نامه‌ام^۱

۲. گنجینه‌الاسرار؛

کیست این پنهان مرا در جان و تن

کز زبان من همی گوید سخن

این که گوید از تن من راز کیست

بنگرید این صاحب آواز کیست

از ناله، سپهر چون زمین است
میرزا ابوالحسن یغمای جندقی (متوفی ۱۲۷۶هـ) نخستین شاعری است که بخشی از دیوان او به نوحه اختصاص یافته است. شیوه او در نوحه‌سرایی ابداعی است. وی مرثیه‌ای را در اوزان جدید ریخته و آن را «نوحه سینه‌زنی یا سنگ‌زنی» نامیده است. می‌توان نمونه نوحه‌ها را در کتاب «محرّق الفؤاد» اثر ملارضا محزون‌الذاکرین رشتی و کلیات صامت بروجردی (۱۳۳۱-۱۲۶۲هـ) از شاعران متأخر یافت.^۲ محتوای نوحه‌ها غالباً برشی از حوادث کربلاست که نوحه‌سرا از نگاه خاص خود به مرثیه‌سرایی می‌پردازد؛ مثلاً نوحه حضرت عباس^۳، وداع امام حسین^۴ با حضرت زینب کبری^۵ و بیان مصائب امامان به طریقه زبان حال.... سراینندگان بسیاری از نوحه‌ها شاعران کم‌سواد و گاه ناشناس‌اند که به نوحه‌سرایی می‌پردازند و در کتاب‌های نوحه خود برای طالبان این نوع مرثیه لحن خواندن را نیز یادآوری می‌کنند، که چگونه این نوحه‌ها خوانده شود. تنها دلیل این کار تنوع اوزان در یک نوحه است. البته به علت تغییر ذائقه ادبی جامعه ایران این نوع نوحه‌ها به سمت محاوره‌گویی و شباهت به ترانه‌های عامیانه سوق داده شده است، که خطر بزرگی برای مرثیه‌سرایی در حالت غیررسمی است.

در اینجا بخشی از یک نوحه یغمای جندقی را می‌آوریم:
آفتاب چرخ دین را لشکری ز اختر فزون
آبگون

تیغ‌ها در قصر خون

برمکش هان از نیم صبح، خنجر آفتاب

آفتاب

باز کش سر، آفتاب

برق حسرت کشت این غم حاصلان را برگ و بر

خشک و تر

سوخ‌ت اندر یک‌دگر

خود، تو دیگرشان مزن در خرمن آذر آفتاب

آفتاب

باز کش سر، آفتاب^۶

۳. مقاتل منظوم

مقاتل، نوعی مرثیه مذهبی هستند که می‌توان نام دیگر آن را شعر «حماسه و سوگ» نامید. این نوع مرثیه همانند مرثیه عاشورایی و برخی از نوحه‌ها در رثای امام حسین^۷ و یاران شریف اوست. مقاتل منظوم فارسی به تقلید از مقاتل عربی در دوره قاجار رواج یافت و به صورت یکی از منابع مهم تعزیه درآمده است.^۸

تفاوت این نوع مرثیه با مرثیه عاشورایی در این است که مرثیه عاشورایی به صورت کلی به موضوع کربلا و شهادت امام حسین^۹ توجه می‌کند و امام حسین^{۱۰} و گریستن بر مظلومیت او محور شعر است و از چند بیت شروع می‌شود و حداکثر تا یکصد بیت ادامه دارد، اما مقتل، جزئی‌نگر است و واقعه عاشورا را به صورت یک منظومه حماسی عرفانی و به شکل یک داستان مطرح می‌کند.

در این منظومه عاشورایی وقایع تاریخی مطرح نیست؛ زیرا خواننده از پیش با موضوع آشناست. شاعر بدون مقدمه سراغ وقایع جانسوز و حزین‌انگیز عاشورا می‌رود

پی‌نوشت

۱. لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین، ذیل واژه مرثیه و رثا.

۲. شعر و ادب فارسی، مؤتمن، ص ۸۶.

۳. همان، ص ۷۷.

۴. تکرشی به مرثیه‌سرایی در ایران، ص ۱۶.

۵. واژه‌نامه هنر شاعری، میمنت میرصادقی، ص ۲۸۷.

۶. همان، ص ۲۸۸.

۷. همان، ص ۳۰۰.

۸. روضه‌الاسرار، دیوان سروش اصفهانی، ص ۷۲۲.

۹. گنجینه‌الاسرار، عمان سامانی، ص ۲۰.

